مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ – روابط عمومی
نشانی: تهران خیابان خرمشهر – شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸–۱۵۸۷۵
امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
شرکت چاپ جام‌جم

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

ایران
www.iran-newspaper.com

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۸۸۵۴۸۸۹۲–۵

میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران:
www.ion.ir/news/19949.html

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۲۸	۳۸	۳۴	۴۸	۳۴	۳۷	۳۲	۲۵
۱۵	۲۶	۱۹	۲۶	۲۳	۱۷	۲۲	۱۵

سخن روز

امام صادق علیه السلام:

مـا مِن عَبدٍ أنعَـمَ اللّه عَلَيهِ نِعمَةً فَعَرَفَ أنَّهـا مِن عِنـدِ اللّه إلاّ غَفَرَ اللّه لَـهُ قَبلَ أن يَحمَدَهُ؛

هیچ بنده ای نیست که خداوند به او نعمتی دهد و او آن را از جانب خدا بداند مگر آن که، پیش از سپاسگویی او، خداوند بیامرزدش.

کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۴۲۷، ح ۸

پرونده‌ای برای شبی که ماه کامل شد

نرگس آبیار/ کارگردان: مهم‌ترین جنبه فیلم، بازیگران آن هستند. اگر بازیگران یک فیلم بد باشند، فیلم روی هواست و از بین می‌رود. از نظر من فیلمنامه و بازی‌ها دو عامل بسیار مهم شکل‌گیری فیلم هستند. ما برای بازیگران بسیار وقت می‌گذاریم و آنها باید فضا را به خوبی درک کنند. ما از بازیگران می‌خواستیم و خودشان هم روی کاراکترشان حساس بودند.

این پرونده را می‌توانید در صفحات ۷ تا ۱۱ بخوانید

تشکیل شورای حل اختلاف ویژه فرهنگ و رسانه

غلامحسین اسماعیلی/ رئیس کل دادگستری استان تهران: به دلیل جایگاه ویژه سخنگویی قوه قضائیه، لازم است تعامل بیشتری با اصحاب رسانه و مبادی ذیربط در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برقرار شود، زیرا امروز متأسفانه از طریق قاب رسانه‌ای تصویر خوبی از قوه قضائیه به جامعه ارائه نمی‌شود.

گزارش کامل نشست سیدعباس صالحی با غلامحسین اسماعیلی را در صفحه ۶ بخوانید

کمرنگ شدم تا دیگران پررنگ شوند

رضا صادقی/ خواننده پاپ: باید حضور ما در عرصه موسیقی کمرنگ‌تر از قبل شود. این اتفاق درستی است. در حال حاضر چهل سال سن دارم و دو دهه در این سرزمین خوانندگی کردم. هم‌اکنون باید من کمرنگ شوم و یک عده دیگر پررنگ‌تر شوند. قرار نیست ما تا آخر بمانیم، اما سعی می‌کنیم این کمرنگی را با حمایتمان از خوانندگان جوان پوشش دهیم.

بخشی از گفت‌وگوی رضا صادقی با تسنیم

سازمان سینمایی برای اولین بار جدول متقاضیان پروانه ساخت آثار سینمایی را منتشر کرد

شفاف‌سازی در استمرار معنا پیدا می‌کند

یادداشت

مجیدرضا مصطفوی
فیلمساز

در راستای شفاف‌سازی سازمان سینمایی، برای اولین بار جدول متقاضیان پروانه ساخت آثار سینمایی منتشر شد. این جدول بر اساس تاریخ ثبت در سامانه تنظیم شده و از روز ۱۸ تیرماه در بخش مجوزها و پروانه‌های صادرشده سایت سازمان سینمایی قابل مشاهده است و به‌روز می‌شود. مجیدرضا مصطفوی برای «ایران» از تبعات این تصمیم نوشته است.

با توجه به کارنامه کاری حسین انتظامی بخصوص در حوزه مطبوعات این امیدواری وجود داشت که با حضور ایشان شاهد تغییرات و اصلاحات ساختاری در سازمان سینمایی باشیم. آقای انتظامی بحث شفاف‌سازی را با مسائل مالی و اعلام بودجه‌ها و هزینه‌های زیرمجموعه سازمان سینمایی، از بنیاد سینمایی فارابی تا مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، آغاز کردند که فی نفسه اتفاق خوبی است؛ این اطلاع‌رسانی در ابعاد کوچکتر در سال‌های قبل‌تر هم اتفاق می‌افتاد و هم‌اکنون به عنوان مثال آمار و ارقام مربوط به هزینه‌کرد جشنواره‌های فجر، سه ماه بعد از برگزاری جشنواره اعلام می‌شود. همین آمار پیش از این با تأخیر ۶ ماهه اعلام می‌شد. اما محدود شدن به این ایده و باقی ماندن در این حد، بحث شفاف‌سازی موردنظر آقای انتظامی را در سطح نگه می‌دارد. برای من فیلمساز اطلاع از اینکه هزینه جشنواره فجر ۵ میلیارد بوده یا ۱۰ میلیارد شده، نکته و اتفاق چندان مهمی نیست و آنچه به اعتقاد من طی این سال‌ها پاشنه آشیل بحث شفاف‌سازی در سازمان سینمایی بوده، ساخت و تولید است. بر این اساس انتشار جدول متقاضیان پروانه ساخت آثار سینمایی که برای اولین بار روز گذشته روی خروجی سایت این سازمان قرار گرفت و اعلام شفاف و روشن اینکه چه تعداد فیلم، چه زمانی و توسط چه تهیه‌کننده‌هایی ثبت شده و در چه مرحله‌ای قرار دارند را به فال نیک می‌گیرم. سال‌هاست که ما فیلمسازان مستقل از بر هم زدن نوبت توسط تهیه‌کننده‌های پرنفوذ متضرر شده‌ایم و انتشار این جدول کمک می‌کند تا دست تهیه‌کننده‌هایی که با استفاده از رانت، فیلمنامه‌شان را ثبت کرده و بعد از یک هفته مجوز ساخت می‌گرفتند و به تبع آن از امتیازات فصل مناسب تولید استفاده می‌کردند، کوتاه شود. نفوذ تهیه‌کنندگان باعث شده بود طی سال‌های گذشته همیشه حق فیلمسازان مستقل و کسانی که به رعایت مسائل قانونی و مراحل اداری تن داده بودند پایمال شود و فصل مناسب تولید را از دست بدهند. لازم به توضیح است که چون

تعداد تولیدات سالانه سینمای ایران زیاد است و همه تلاش‌شان این است که فیلمشان را به جشنواره برسانند. از اردیبهشت ماه تا اواخر مهرماه پروسه زمانی مناسب برای تولید و پس از تولید است. با آگاهی از این شرایط همیشه فیلمسازان مستقل با بازیگران و عوامل درجه یک به توافق می‌رسیدند، اما تهیه‌کنندگانی که برای دریافت پروانه ساخت به جای ورود از در، از پنجره وارد می‌شدند، قواعد را بر هم می‌ریختند. آنها همه را دور می‌زدند و صدور پروانه ساخت دیگران را به تأخیر می‌انداختند و فیلمساز مستقل با از دست دادن این فرصت مجبور می‌شد با عوامل و بازیگران درجه دو فیلمش را بسازد. با راه‌اندازی این سیستم مکانیزه شبیه بانک فیلمنامه خانه سینما، برای همه مشخص خواهد بود که چه کسی در چه تاریخی فیلمنامه را ثبت کرده و تهیه کننده کیست و کی قرار است پروانه ساخت بگیرد. این شفاف‌سازی کمک می‌کند تا همه چیز طبق برنامه‌ریزی پیش برود و حداقل برای همه شرایط برابری ایجاد شود. با این وجود من همچنان انتشار این جدول را هم آغاز راه طرح شفاف‌سازی می‌دانم چرا که بر اساس جلسه‌ای که با آقای انتظامی داشته‌ایم مسیری پیش رویمان تصور کرده‌ایم که این اقدام‌ها، قدم‌های اولش است. امیدوارم شفاف‌سازی همگام با مرحله هزینه و تولید و ساخت به شفافیت در نحوه حمایت در اکران، حمایت مالی از ساخت فیلمنامه‌ها، نحوه انتخاب هیأت داوران جشنواره و... هم برسد؛ چراکه در دو سه سال گذشته گزینش هیأت انتخاب و داوری در جشنواره فیلم فجر روند کارنامه یکسری از فیلمسازان را هم تغییر داد. به شخصه عزم جدی می‌بینم این شفاف سازی که گام به گام حرکت رو به جلو دارد به اصلاحات ساختاری مناسب در سازمان سینمایی منجر شود؛ البته که محقق شدن این اتفاق مهم یک بخش‌اش به اختیارات حسین انتظامی به عنوان رئیس سازمان سینمایی برمی‌گردد و بخش دیگرش منوط به اتفاقات بیرون از سازمان است. به امید اینکه اتفاق‌هایی که همیشه سازمان سینمایی را تحت فشار قرار می‌داد کمتر شده باشد و ایشان بتوانند برنامه‌های‌شان را با موفقیت به سرانجام برسانند.

نگاره

مریم یزدانی

زندان‌های لاکچری

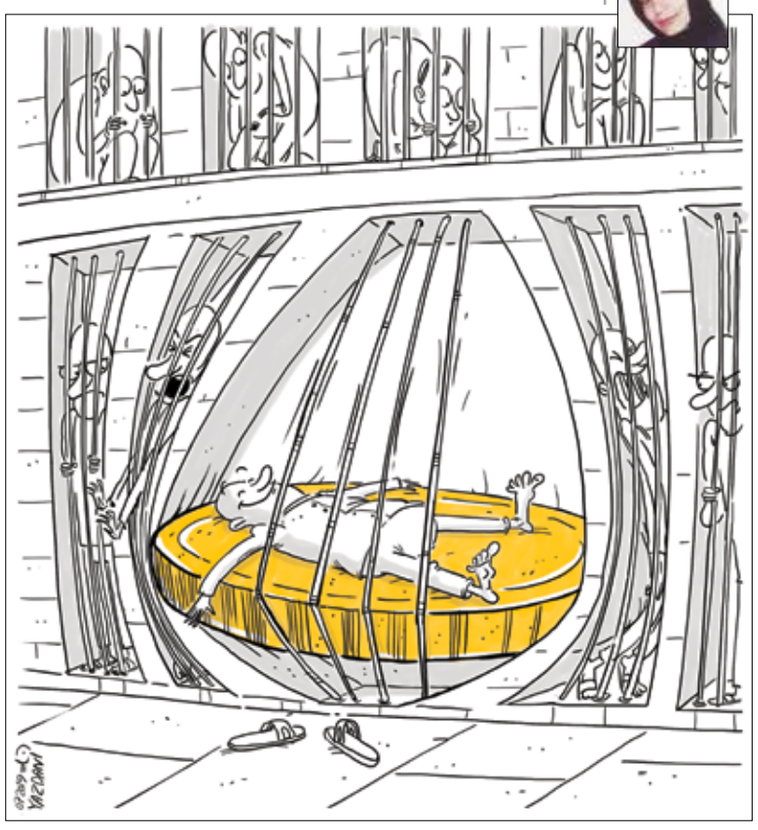

رئیس‌جمهور هم به تفریح نیاز دارد

چالش روز

مسعود اطیابی
کارگردان

دفاع از آثار اجتماعی و جدی سینما باعث شده که فضای تخریبی علیه فیلم‌های کمدی شکل بگیرد. مسعود اطیابی که فیلمش «تگزاس۲» از اواخر فروردین‌ماه پس از توقیف «رحمان۱۴۰۰» روی پرده سینما آمده نسبت به این جریان معترض است.

۱ کسانی که علیه سینمای کمدی جریان‌سازی می‌کنند آگاه نیستند که عملکرد آنها در راستای اهداف دشمنان است. قطعاً فیلم ما حرفی برای گفتن دارد اما مهم‌ترین تأثیر آن خارج کردن فضای جامعه از خمودگی است. وضعیت اجتماعی و اقتصادی کشورمان ایجاب می‌کند که فضای مفرح و شاد برای جامعه ایجاد کنیم. نمی‌شود اوقات فراغت و تفریح که ارزان‌ترین آن سینماست را از زندگی مردم حذف کرد. رئیس جمهور هم که باشید نمی‌توانید تفریح را از زندگی‌تان حذف کنید.

۲ درباره این که آیا مناسبات فضای رقابتی ناسالم گریبانگیر فیلم ما شده به طور یقین می‌گویم تا جایی که از همکاران خودم چه به عنوان رفیق و چه به عنوان رقیب شناخت دارم چنین کاری را بعید می‌دانم. وجود روبات‌های کامنت‌گذار علیه برخی فیلم‌ها را تکذیب نمی‌کنم اما درباره فیلم خودم شاهد چنین اتفاقی نبوده‌ام. قطعاً نظرات منفی هم وجود دارد و خیلی از نقدها پذیرفتنی است و تلاش می‌کنم در فیلم‌های بعدی‌ام بهانه کمتری به منتقدان بدهم. اما برخی از اتهامات به فیلم ناشی از بیماری است و برخی همه چیز را شوخی جنسی تعبیر می‌کنند. اگر بخواهیم بر اساس نگاه این آدم‌ها فیلم بسازیم هیچ واژه‌ای نمی‌تواند در یک دیالوگ دو نفره رد و بدل شود چون از هر دیالوگ صد شوخی جنسی بیرون می‌کشند. این هم یک نوع بیماری است که در برخی آدم‌ها وجود دارد.

۳ هم فیلم کمدی و هم غیرکمدی و حتی فیلم‌های مرتبط با دفاع مقدس هم می‌توانند سخیف باشند. ارزشی‌تر از فیلم‌های دفاع مقدس که نداریم، مگر در این حوزه فیلم سخیف نداشتیم. با فیلم سخیف در هر گونه‌ای باید مبارزه کرد اما این که فقط به یک گونه خاص نسبت بدهیم و در یک ژانر هر چه ساخته می‌شود لقب فاخر بدهیم غلط است. اتفاقاً دشمن به گونه‌ای از فیلم‌های ارزشی ما خیلی هم علاقه‌مند است و دوست دارد که سرگرم ساخت این دست فیلم‌ها شویم به خاطر این که هیچ خاصیتی ندارند؛ نه اندیشه دارند، نه مفرح هستند و نه ترغیب می‌کنند به دفاع از وطن.

«نوایی» که نغمه ماندگار شد

یاد

بیژن بیژنی
خوش‌نویس و خواننده

فردا بیستم تیرماه شصت و ششمین سالروز تولد بیژن بیژنی خواننده نام آشنای موسیقی سنتی و هنرمند نامدار عرصه خوشنویسی است. بیژنی از تجربه‌های جذابی می‌گوید که در سال‌های گذشته به عنوان یک هنرمند سختگیر پشت سر گذاشته است.

آغاز فعالیت من درعرصه موسیقی به سه دهه گذشته برمی‌گردد و نخستین کارم «افسانه سرزمین پدری‌ام» است به آهنگسازی آقای ارسلان کامکار و با اشعاری از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری. زمانی که این اثر منتشر شد یک نسخه از کار را به استاد کامبیزروشن روان هدیه کردم چرا که علاقه بسیاری به آثار او دارم. از ایشان خواهش کردم اگرصدای من مورد پسندشان بود اشعاری را انتخاب کنم و موسیقی آن را بنویسند و بعد از یکی- دو روز پاسخ دادند صدای شما ویژه است و شبیه هیچ یک از خواننده‌های امروز نیست و سرانجام با انتخاب اشعاری از مولانا با نام «دلدار» و «بی همگان به سر شود» و همچنین «نوایی نوایی» که برگرفته از ملودی محلی تربت‌جام است این همکاری شکل گرفت و آقای روشن‌روان نیزعلاقه‌مند به این اشعار بودند و نتیجه آن آلبوم «نهانخانه دل» بود که تا به امروز چندین و چند بار تجدید چاپ شده و قطعه «نوایی نوایی» که مورد علاقه مخاطبان موسیقی است و به نوعی امضای کاری من محسوب می‌شود.

من در این سال‌ها و در تمام آثار موسیقایی که منتشر کرده‌ام از اشعار شاعران بزرگ چون هوشنگ ابتهاج، شفیعی کدکنی، فریدون مشیری و موسیقی آهنگسازان بنام چون کامبیز روشن‌روان، پشنگ کامکار، محمد سریرو... بهره برده‌ام و اعتقاد دارم آثار هر هنرمندی نمی‌تواند همیشه شاهکار باشد اما در هر یک از آلبوم‌هایم قطعاتی است که بسیار به آن علاقه‌مند هستم. در خصوص همکاری‌هایم با آهنگسازان خوب کشورم باید بگویم نقش آهنگساز در خلق یک آلبوم بسیار بسیار مهم است و در حقیقت فونداسیون اصلی یک اثر موسیقایی به طراحی آهنگساز برمی‌گردد. من تا به امروز نزدیک به ۱۰۰ قطعه ارکسترال اجرا کرده‌ام و تمام موسیقی آن به‌دست آهنگسازان مطرح بوده و با توجه به ظرفیت و توانایی‌هایی که در آوازخوانی یا تصنیف‌خوانی من بوده این آثار را ساخته‌اند. از دیگر فعالیت‌های من در عرصه هنر، خوشنویسی است؛ هنری که به عقیده من با موسیقی از خویشاوندان نزدیک به یکدیگر هستند. هنر خوشنویسی یکی از سلوکی‌ترین هنرهای این سرزمین است و قرن‌ها روی آن کار شده و کار کرده‌اند و من نیز به سهم خود در این زمینه کتابی منتشر کردم با عنوان «نای و نی» که در پیشانی این کتاب یادداشت‌هایی از بزرگان فرهنگ و هنر آمده است.

تاریخ مجسم تئاتر ایران

نگاه روز

ایرج راد
رئیس هیات مدیره خانه تئاتر

داریوش اسدزاده این روزها به دلیل ناراحتی تنفسی ناشی از کهولت سن در بیمارستان بستری است. ایرج راد به همین بهانه از اهمیت اسدزاده در تاریخ هنر ایران می‌گوید.

داریوش اسدزاده را باید به‌درستی تاریخ شفاهی تئاتر ایران دانست و یک عمر حضورش را به‌عنوان حضوری پرفروغ و مؤثر به‌خاطر آورد. در این چند سال اخیر هم با وجود کهولت سن و کسالت‌هایی که داشت و دارد، هرجا به حضورش نیاز بود می‌آمد و باعث خوشحالی و قوت‌قلب می‌شد. خود این مسأله جای تشکر دارد چون هر کسی در این سن دیگر نه تاب و توان و نه حوصله چنین مراسم‌هایی دارد. اما او از هیچ قدمی برای هنر این مملکت، حتی در این حد فروگذار نکرده و امیدوارم باز هم سایه این حضور مستدام بماند. اسدزاده در طول زندگی‌اش چه در حوزه تئاتر و چه در سینما و تلویزیون، همیشه نقش‌های متفاوتی ایفا کرده و مثلاً نقش او در لاله‌زار، به‌واسطه حضوری که در تئاتر نصر و آنچه در این تئاتر اتفاق افتاد و باعث شکل‌گیری نسل تازه‌ای در تئاتر ما شد قابل لمس و اهمیت است. خودش هم یکی دو کتاب نوشت از خاطراتش و این خاطره‌ها می‌تواند جزو اسنادی باشد که ما برای رجوع به تاریخ هنر تئاتر این مملکت به آن نیاز داریم. زحمت رشد و پیشرفت تئاتر ما همیشه بر دوش بزرگان و زحمت‌کش‌هایی مانند اسدزاده‌ها بوده و اینکه جوان‌های ما امروز آنچنان او را نمی‌شناسند و با خدماتش آشنا نیستند جای تأسف دارد.

من گزارشی شفاهی در قالب گفت‌وگویی طولانی با او داشته‌ام که این گفت‌وگو در آرشیو خانه تئاتر ایران نگهداری می‌شود. اسدزاده در این گزارش شفاهی، به تفصیل درباره تئاتر نصر و هر آنچه در آن اتفاق افتاد و باعث و بانی اتفاقات نو و بروز و ظهور هنر تئاتر شد توضیح داده است. به‌هر روی، اسدزاده نامی مهم در هنر این مملکت است و باید نام و قدرش به اندازه شأن و منزلتی که دارد پاس داشته شود. من آرزو می‌کنم همین روزها سلامت خود را به دست بیاورند و از بیمارستان مرخص شوند. وقتی می‌خواهم در ذهن خود آثار او را مرور کنم واقعاً نمی‌توانم به یک کار خاص تکیه کنم چون اسدزاده منشأ خیر و حرکت‌های بزرگ در هنر ما بوده و جایگاهی دارد ممتاز. متأسفانه بسیاری از هم‌دوره‌ای‌های آقای اسدزاده در قید حیات نیستند و بخشی از خاطرات و گذشته هنر ما با آن‌ها کم‌رنگ یا از بین رفته است و این تاریخ همان چیزی است که ما به آن نیاز داریم.

#گاندو

هشتگ

پخش قسمت آخر سریال گاندو باعث شد دیروز هم هشتگ گاندو یکی از پرکاربردترین هشتگ‌های شبکه‌های اجتماعی در ایران باشد. بحث درباره این سریال همچنان ادامه دارد و با حرف‌های نویسنده فیلمنامه آن درباره اینکه ۸۰ درصد از داستان تخیل او بوده این بحث‌ها بیشتر هم شده است. در شبکه‌های اجتماعی بحث بیشتر بین طرفداران سریال که معتقدند با استناد به گاندو دولت به کشور خیانت کرده و منتقدان سریال شکل گرفته که می‌گویند گاندو بازی سیاسی منتقدان دولت است.

در واکنش به پایان سریال نوشته‌هایی مثل اینها را خواندیم: محسن بیات زنجانی: «در جریان باشید مشغول دعوا بر سر سریالی هستید که کارگردانش گفته ۸۰ درصد آن بر اساس تخیل است!»، دونده: «تأثیر هنر را می‌بینید؟! اگر چند صد برابرِ زمان فیلم گاندو، مطلب و توئیت و خبر کار شده بود باز میزان اثرش به اندازه این فیلم نبود. بهتره جریان انقلاب در حوزه هنر هفتم یه فکری بکنند.»، جی اف اف: «گاندو ۲ رو برای قالیباف بسازین. ساخته شد هر دو رو می بینم.»، لیلا چرم‌چیان: «این حجم تحلیل نسبت به گاندو اونم از طرف شمایی که مدعی بودی خیلی وقت برنامه‌های صداوسیما رو دنبال نمی‌کنی زیبا نیست؟»، یحیی: «یه سؤال جدی که این چند روزه واسم پیش اومده اینه که چرا دولتیا اینقدر به گاندو دارن واکنش نشون میدن؟»، رضا مشیری: «ساختار سیاسی کشور، که دولت را نفوذپذیر و وزیرخارجه را ناتوان و خائن جلوه می‌دهد، از اساس باید در همه امور تجدید نظر کند.»، رضا رضوی: «واقعا چقدر صداوسیمای ما بدبخته که برنامه‌های خوبی مثل نود جلوش گرفته می‌شه اما به سریال‌های مزخرفی مثل گاندو این همه بها می‌ده»، سعید قبادی: «دمشون گرم که قسمت آخر با عروسی محمد و عطیه تموم نشد!»، حمید: «قسمت آخر گاندو دیگه خیییییییلی شعاری بود.»، کیانو: «طرف داشت با آب و تاب گاندو رو نقد می‌کرد؛ بهش گفتم مگه نگفته بودی دیگه رسانه ملی رو دنبال نمی‌کنی؟! گفت از تلویزیون آنلاین می‌بینم. با یک تیر دو نشون!

وقتی از موج اجتماعی سریال گاندو صحبت می‌کنیم دقیقاً یعنی همین!»، سعید پرسا: «به نظرم اصلاً مهم نیست که گاندو غیرواقعیه. هر فکر و جناحی کار رسانه‌ای خودش رو داره. درام، دروغ‌پردار که نیست. معضل، در این دست ماجراها این نیست که چرا این درام ساخته شده، معضل اینه که چرا فقط یک فکر و جریان و جناح اجازه کار رسانه‌ای آزاد با امکانات نامحدود داشته همیشه؟».

شهروند مجازی
یگانه خدامی

سه‌شنبه بدون خودرو

ماجرا

دیروز طبق روال هر هفته پیروز حناچی شهردار تهران با دوچرخه به محل کارش رفت. البته این بار با همراهی محمد جواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات. آن‌طور که آذری جهرمی دیروز در اینستاگرامش نوشت از میدان توحید تا پارک لاله، با او رکاب زد و بعد هم با همان دوچرخه برای شرکت در جلسه‌ای با رئیس‌جمهوری، به پاستور رفت و بعد هم با همان دوچرخه به وزارتخانه در پل سیدخندان رفت.

آذری جهرمی از سختی رکاب‌زدن در سربالایی هم نوشته بود اما با این حال امیر حاتمی، سورنا ستاری و پدر همسرش را به پویش سه‌شنبه‌های بدون خودرو دعوت کرد. عکسی که از این دوچرخه‌سواری منتشر شد و البته پست اینستاگرامی وزیر ارتباطات و شهردار تهران در این زمینه مورد توجه کاربران قرار گرفت و بسیاری از آنها از این کار استقبال کردند و بعضی‌ها هم با وزیر و شهردار شوخی کردند. ضمن اینکه زنان هم گلایه می‌کردند که چرا برای این پویش دعوت نمی‌شوند. واکنش‌ها به دوچرخه‌سواری دیروز شهردار و وزیر جوان را بخوانید: میم حدادی: «شاید اگر این طور بود که مثلاً برای جوان‌های تهرانی هم خیابان باز می‌کردند، اسکورت می‌گذاشتند، هزینه دوچرخه حرفه‌ای داده می‌شد و از همه مهمتر اخراج از کار به‌دلیل دیر رسیدن به محل کار نبود آنها هم به سه‌شنبه‌های بدون خودرو می‌پیوستند!»، دختر تکاور: «بابا این آذری جهرمی خیلی خفنه به سه‌شنبه‌های بدون خودرو پیوست دیگه کم کم مشکلات داره حل می‌شه»، محمد درویش: «از پویش سه‌شنبه‌های بدون خودرو، مدیران ارشد و نمایندگان فراوانی عملاً حمایت کردند به جز آنهایی که مستقیماً به حوزه محیط‌زیست، منابع‌طبیعی، آب، انرژی و کشاورزی مرتبطند! لابد این‌هم یکی از عجایب زیستن در ایران است! نه؟»، صلح بان: «امید که آقای آذری جهرمی مانند پیروز حناچی به‌صورت مستمر از دوچرخه استفاده کنند و در حد یک نمایش و خبر نباشد، منتظر دوچرخه سواری‌های آینده شما هستم وزیر جوان»، آرزو فرشید: «کاش وزیر جوان اقلاً به جای امیرحاتمی و سورنا ستاری یکی از زنان دولت مثلاً لعیا جنیدی را به دوچرخه سواری دعوت می‌کرد. البته نمی‌دونم شاید دوچرخه‌سواری هم با پروتکل سازگار نیست.»، پیرو: «خبر خوبی بود ولی تلخ چون اگه یه خانوم باشی و ساکن اصفهان حق شرکت در چنین پویش سلامتی رو نداری. درک این قضیه از رکاب زدن تو اون سربالایی سخت‌تره»، اس اچ: «دمت‌گرم، انشاالله یه روزی عکس همه وزیران و مسئولان و مردم را این‌طوری ببینیم».

عکس نوشت

موزه بریتانیا تصمیم گرفته است مجسمه‌های باستانی «بودایی» و چندین اثر باستانی دیگر را که در سال‌های گذشته از عراق و افغانستان غارت‌شده بودند به این کشورها برگرداند. این مجسمه‌ها در سپتامبر سال ۲۰۰۲ در فرودگاه «هیترو» لندن کشف شدند و قدمت برخی از آنها به قرن چهارم تا ششم پس از میلاد مسیح بازمی‌گردد و پس از آن که با توافق «موزه ملی افغانستان» در یک نمایشگاه موقتی در لندن به نمایش گذاشته شدند به «موزه ملی افغانستان» بازگردانده می‌شوند.

عکس: ایسنا